

# ت از دانشگاه مدرسه

## از مدارس تجربی تا مدارس توسعه حرفه‌ای

محمدحسین فاطمی

برای نظریه‌پردازی‌های جان دیویی متوقف مانده و چنان که باید، در سطح عموم دانشکده‌های تعلیم و تربیت گسترش نداشته است. گرچه امروزه بیش از ۱۲۰ سال از عمر مدرسه تجربی دانشگاه شیکاگو می‌گذرد، ولی مدرسه تجربی تنها راه ارتباط مدرسه و دانشگاه نیست برای مشارکت مدرسه‌ای که صحنه عمل است، با دانشگاهی که مهد صاحب‌نظران است، راه‌های متعدد دیگری از قبیل مدارس کلینیکی، مدارس رشد حرفه‌ای<sup>۱</sup> (PDS) و برنامه‌هایی این‌گونه به جای مدارس، تجربه و اجرا شده است.

مدرسه و دانشگاه هر دو محیط‌های یادگیری‌اند، ولی ساختارها و فرهنگ‌های متفاوتی دارند که به راحتی از عهده تعریف کار مشترک و انجام دادن آن بر نمی‌آیند!

به تعبیر فولن<sup>۲</sup> مدرسه دنیای تعهدات و دانشگاه دنیای پرسشگری است و شاید از این جهت که هر دو نهاد آموزشی، در برابر تغییر مقاوم‌اند، او چاره را در راه‌اندازی کنسرسیوم یادگیری در شهر تورنتو دیده است، تا چهار مدرسه بزرگ شهر را برای پروژه‌های مشترک، به گروه تعلیم و تربیت دانشگاه تورنتو و مؤسسه مطالعات آموزشی انتاریو مرتبط کند.

ارتباط دانشگاه و مدرسه، نوعی پیوند بین دو مؤسسه از دو جنس مختلف است و به همین جهت آن را به پیوند ازدواج تشبیه کرده‌اند. زوجین بیش از همه به نگره داشتن این پیوند متعهدند و

وقتی قرار است در جامعه، جسم و جان شهروندان برای سلامتی و شکوفایی در اختیار پزشکان و معلمان قرار گیرد، آن وقت حتماً لازم می‌شود دقت مضاعفی برای تربیت این دو گروه به عمل آید.

شاید یکی از علل اینکه در بعضی از جوامع، هنوز به معلمی - برخلاف پزشکی - به عنوان یک حرفه تخصصی نگاه نمی‌شود، به تفاوت نحوه ارتباط دانشگاه‌های علوم پزشکی و بیمارستان‌ها در نظام تربیت پزشک با نظام تربیت معلم و نحوه ارتباط دانشکده‌های علوم تربیتی و مدارس برگردد.

اگر استادان تعلیم و تربیت به همین شیوه مألوف می‌خواستند پزشک تربیت کنند، خسارت‌های فراوانی نصیب جامعه می‌شد؛ از جمله اینکه استادی که تا به حال بیماری را معاینه نکرده و نتیجه تجویز دارو و مداخله‌اش را ندیده بود، بر مسند آماده‌سازی پزشکان آینده تکیه می‌زد. در این شیوه، پزشکانی تجربی در بیمارستان‌ها به کار درمان مشغول بودند که بی‌خبر از مرزهای دانش، همان‌طور که شروع کرده بودند، تا پایان دوره خدمت به کارشان ادامه می‌دادند.

اگر تعلیم و تربیت چون پزشکی، علمی تجربی است و در آن عمل و نظر در هم تنیده است، پس دانش‌ورزان و نظریه‌پردازان آن باید محیطی برای تجربه کردن در دسترس داشته باشند.

ممکن است به نظر آید که این توصیه عملگرایی به حد مدرسه تجربی دانشگاه شیکاگو و محیطی



جان دیویی  
مؤسس  
اولین مدرسه  
تجربی وابسته  
به دانشگاه  
شیکاگو



**اگر تعلیم و تربیت  
چون پزشکی،  
علمی تجربی  
است و در آن  
عمل و نظر در  
هم تنیده است،  
پس دانش‌ورزان و  
نظریه‌پردازان آن  
باید محیطی برای  
تجربه کردن در  
دسترس داشته  
باشند**

البته، برای تحقق این الگوی همکاری، توافق بر شرایط و مقدمات زیر لازم است:

۱. مدرسه فقط محل یادگیری دانش‌آموزان نیست و همه در آن جاییم تا چیزی یاد بگیریم.  
۲. فقط دانش‌آموزان نیستند که باید امتحان بدهند و به سطح قابل‌قبولی برسند؛ مدرسه و معلمان هم باید به استانداردهای مشخصی دست یابند.

۳. تعریف پژوهش یا کار مشترک، زمینه‌ای برای همکاری و کار دو طرف مشارکت‌کننده است؛ قرار نیست همچنان در دو طرف خط بین مدرسه و دانشگاه بایستیم و هر کدام کار خودمان را بکنیم.

۴. مدرسه نمونه‌ای واقعی از جامعه است و نتایج کسب‌شده از این همکاری باید برای سایر مدارس هم مفید باشد.

۵. در ساختاری که برای مشارکت مدرسه و دانشگاه در نظر می‌گیریم به آورده هر کدام و نقشی که در پروژه مشترک دارند، توجه کنیم.

۶. علت تأسیس این دو نهاد، فقط تغییر دیگران نیست؛ خوب است که هر دو تشکیلات برای کمی تغییر در خود هم آمادگی داشته باشند!

**\* بی‌نوشت‌ها**

1. PDS
2. Fullan
3. PDA

اگر فلسفه این پیوند را بدانند، بهتر می‌توانند در چالش‌ها و فراز و فرودهای پیش‌بینی ناشدنی، رابطه زوجیت را، که ریشه در ارزش‌ها و آرمان‌های مشترک دارد، حفظ کنند. ثمره مراقبت از پیوند ازدواج، زیستنی خوب در محیط خانواده و داشتن فرزندان رشید یافته خواهد بود؛ چنانچه مدرسه نیز به واسطه این ارتباط به محیطی رشددهنده و متأثر از رشد و موفقیت معلمان و دانش‌آموزان بدل خواهد گشت.

در مدارس توسعه حرفه‌ای امروز<sup>۱</sup> که پوست انداخته و تکامل یافته همان مدارس تجربی و ضمیمه دانشگاهی هستند، چهار کار انجام می‌شود:

۱. معلمان جدید برای کار آماده می‌شوند؛

۲. برای موفقیت دانش‌آموزان براساس روش‌های علمی اقدام می‌شود؛

۳. پژوهش‌های مشترک مدرسه و دانشگاه تعریف و انجام می‌شوند؛

۴. در جریان مدرسه‌داری و پژوهش، زمینه برای رشد حرفه‌ای معلمان و استادان فراهم می‌شود.

در اسناد بالادستی و برنامه‌های آوپ جامعه ما، به درستی بر «مدرسه محوری» تأکید می‌شود.

با این سیاست‌گذاری، مدارس می‌توانند ارتباط با مراکز دانشگاهی را در دستور کار خود قرار

دهند و مدرسه را از طریق ارتباط با دانشگاه، به مرکزی برای رشد حرفه‌ای همکاران و موفقیت

دانش‌آموزان تبدیل کنند.